



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
یکشنبه ۲۷ فروردین ۱۴۰۲ - ۲۵ رمضان ۱۴۴۴
سال بیست و پنجم - شماره ۶۷۲۲ - ۱۶ صفحه
قیمت: ۳۰۰۰ تومان

سر مقاله

غلبه نرم‌افزاری با معماری جدید منطقه‌ای



محمدجواد اخوان
مدیرمسئول

بعد از اعلام توافق تهران و ریاض، شبیهات زیادی در خصوص این توافق مطرح شد، از جمله اینکه چطور تا همین چند ماه پیش اختلافات عمیقی میان جمهوری اسلامی ایران و حکومت عربستان وجود داشت، پس چگونه ناگهان این اختلافات کناری نپساده شد و روابط به گرمی گرایید؟ برای پاسخ به این

سؤال باید دید اختلافات میان ایران و تعدادی از کشورهای منطقه از جمله عربستان سعودی از کجا نشئت می‌گیرد؟ آیا صرفاً گرایش‌های وهابی حاکم بر حجاز به اختلافات میان تهران و ریاض دامن زده است؟ پاسخ قطعاً منفی است، چون اولاً بسیاری از کشورهای ایران دارند و ثانیاً در سیاست خارجی جمهوری اسلامی شیعه و سنی بودن ملاک اصلی حب و بغض نیست، چنانکه از گروه‌های سنی فلسطینی حمایت تمام‌عیاری می‌شود.

آنچه میان تهران و ریاض و برخی دیگر از پایتخت‌های عربی فاصله انداخته است، در واقع اختلافات مذهبی و طایفه‌ای نیست، بلکه تفرقه‌افکنی استعماری غربی‌ها، به‌ویژه آمریکایی‌ها است. نظام سلطه برای حضور در منطقه غرب آسیا نیاز به توجیه و بهانه‌های دارد و روزی شعار مبارزه با تروریسم را سر دست می‌گیرد و دیگر روز با ایران هراسی در جهان عرب این هدف را دنبال می‌کند. بر این اساس است که مهم‌ترین متغیر مؤثر بر فاصله تهران و ریاض، سطح مداخله و قدرت اثرگذاری آمریکایی‌ها بر تحولات منطقه و ترتیبات راهبردی است.

در سال‌های اخیر مرتباً از «فول آمریکا» سخنان به میان می‌آید. سران کاکس سفید پیش‌تر این گزاره را نوعی تبلیغات مخالفان آمریکا معرفی می‌کردند، اما اکنون خودشان نیز گاه به‌طور ضمنی بدان اذعان می‌دارند. مهم‌ترین نشانه این افول را می‌توان در قدرت‌یابی کشورها و بلوک‌های رقیب غرب خصوصاً در آسیا مشاهده کرد. توسعه روزافزون پیمان‌هایی چون «بریکس» و «شانگهای» و کنش مستقل و خارج از اراده غرب قدرت‌های نوظهوری چون روسیه و چین فزاینده است که ترتیبات جدید بین‌المللی را آشکار می‌سازد. طبیعی است که این تحولات در پیش چشم همه دنیا در حال وقوع است و حتی متحدان سنتی آمریکا نیز کم‌کم با واقعیت مواجه می‌شوند.

خاندان حاکم بر حجاز نیز هر چند به لحاظ سنتی به دولت آمریکا نزدیک بوده و از متحدان آن به‌شمار می‌رود، در سال‌های اخیر به تدریج با واقعیت روبه‌رو شده و به صورتی کاملاً چرخ خاموش در حال نزدیک شدن به رقبای آمریکا است. بر اساس شنیده‌ها حتی سران سعودی در سال‌های اخیر در گفت‌وگوهای خصوصی به سران برخی کشورهای اسلامی نیز همین رویه را توصیه و نزدیک‌تر به چین را به عنوان راه حفظ و بقای در قدرت معرفی کرده‌اند.

در هر حال هر چند جمهوری اسلامی ایران در موضع مقاومت در برابر نظام سلطه مصمم‌تر ایستاده، سعودی‌ها با هر نیتی در حال فاصله گرفتن از واشنگتن و نزدیکی به رقبای آن هستند و هر چند این فاصله هنوز به حدی نرسیده که دولت سعودی را از زمره متحدان آمریکا خارج کند، اما در واقع به مثابه کاهش نفوذ و قدرت مداخله آمریکا در منطقه است. از طرفی روندی که تحت عنوان «طبیعی» (عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی) در منطقه شکل گرفته بود نیز کند و حتی متوقف‌شده و جای خود را به بازگشایی روابط با تهران داده است. در هر دو روند تضعیف قدرت آمریکا و رژیم صهیونیستی مشهود است و این واقعیت از چشم خود صهیونیست‌ها نیز دور نمانده، چنانکه روزنامه صهیونیستی تایمز اسرائیل هم با تلخی اذعان کرد که «ایران در حال ساخت یک خاورمیانه جدید است.»

رهبر معظم انقلاب اسلامی بعد از شهادت سردار سلیمانی انتقام اصلی از آمریکا را «پایان دادن به حضور فسادبرانگیز آمریکا در این منطقه» اعلام کردند و سلیبی سخت‌تر را «غلبه نرم‌افزاری بر هیمنه پوچ استکبار» دانستند. آنچه در این منطقه در حال وقوع است نخستین نشانه‌های این تحول بزرگ و تحقق این وعده صادق است. کاهش قدرت مداخله آمریکا در منطقه خصوصاً در میان متحدان سنتی خودش، شکست پروژه «طبیعی» و شکوفایی روزافزون مقاومت همه و همه نشان می‌دهد که خون پاک شهید سلیمانی در حال ثمر دادن است. اینک نرم‌افزار شکل دهی به ترتیبات منطقه‌ای و حتی بین‌المللی در حال تغییر است و منطقه غرب آسیا در گذار به «امریکادایی» است. شاید اختلاف دیدگاه‌های سنتی تهران و ریاض در مسائل عقیدتی همچنان پای‌جا بماند و پرونده‌های لاینحلی چون فاجعه منا و خون شهدای مظلوم آن همچنان مفتوح باشد، اما مسائل بسیار سرنوشت‌سازتری در حال وقوع است که چهره‌ای جدید از منطقه را به‌زودی به جهان عرضه خواهد کرد.

«مسئله حجاب» عنوان بسیار دقیقی بود که شهید مطهری برای کتاب خود پیرامون حجاب انتخاب کرد. حجاب به واقع در این قرن که جهان مدرنیته به آن با صدای بلند حمله می‌کند، یک مسئله است که در ذهن زنان به‌ویژه جوانان شبهه و سؤال ایجاد کرده است. مسئولان عالی از جمله رئیس‌جمهور بر حل فرهنگی آن اصرار دارند که البته زمان‌بر و مستلزم کار دقیق و زبان گویا و هم‌زمان حل مسائل اقتصادی و سیاسی است و حل هیچ مسئله فرهنگی در عین بسته بودن گذرگاه‌های اقتصادی ممکن نیست. از طرفی برای پلیس هم عمل به وظایفی که قانون در میان مدت مشخص کرده، مغایرتی با کار فرهنگی طولانی مدت ندارد. پلیس از دبروز هنجارشکنی‌های نامتعارف و کشف حجاب را یادآورین و ارسال پیام‌های اخطار و سپس برخورد مطابق قانون در دستور کار قرار داده و این جدا از برنامه فرهنگی دولت‌ها و درکنار آن است

مسئله حجاب

آغاز برخورد قانونی با هنجارشکنی‌های نامتعارف

رئیس‌جمهور: دولت دنبال حل فرهنگی مسئله حجاب است و اجازه نمی‌دهیم دشمن آن را به یک موضوع امنیتی تبدیل کند | صفحه ۳



رهبر معظم انقلاب

درگذشت دکتر افروغ را تسلیت گفتند

بیکر عماد افروغ جمعه شب به قم منتقل شد و پس از برگزاری مراسم دعا و وداع در حرم حضرت معصومه (س)، آیت‌الله جوادی آملی بر بیکر وی نماز اقامه کرد، سپس برای تدفین در صحن حاج آقا مصطفی حرم مطهر امام خمینی به این استان منتقل شد | صفحه ۲

کاربران شبکه‌های اجتماعی:

مرد اندیشه بود در روزگار اندیشه‌گریزی

صفحه ۵

گزارش «جوان» از سی‌امین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم

محصولات حجاب و عفاف

بیشترین استقبال را داشت

صفحه ۱۶

۲۰۰ حزب داریم

اما دولتمرد و حکمران تربیت نمی‌کنند!

داریوش صفرنژاد، تحلیلگر و کارشناس ارشد مسائل اوراسیا در گفت‌وگو با «جوان»: کارکرد حزبی یعنی جایی به وجود بیاید که یک دولتمرد قبل از اینکه اداره دولت را به دست بگیرد، روی قانون اساسی، منافع و هنجارهای ملی تأملات دقیقی داشته باشد، قلم بزند، فکر و برنامه‌ریزی کند، ارائه، تعامل و سخنرانی داشته باشد، نظر بگیرد، نظر، چارچوب و نظم بدهد و در یک کلام بتواند در راستای اهداف کلان و آینده‌پیش‌رو برنامه‌ریزی کند | صفحه ۸

«سده جلال» فرصت هویت‌یابی

مقابل غرب‌زدگی

در آذرماه سال‌های که آن را آغاز کرده‌ایم، زنده‌یاد جلال آل‌احمد نویسنده نامور، پر تکاپو و پراثر ایران صد ساله می‌شود. عمر او طول زیادی نداشت و تنها ۴۶ سال زیست، اما از عرض فراوانی برخوردار بود و توانست مسیر آفاق و انفس گسترده‌ای داشته باشد | صفحه ۹

گزارش «جوان» از چالش فضای بازی کودکان در پارک‌های پایتخت

پناه بردن کودک از آپارتمان به پارک پرخطر پیمانکاران! فضای مناسبی برای تخلیه هیجان کودک نیست | صفحه ۶

اشاراتی در باب

واپسین مرحله از جنگ ترکیبی

از جامعه به‌رغم برخی کزتابی‌ها، نهایتاً به حقیقت گردن می‌نهد، به شرط آنکه درست به آنها عرضه شود و در مخاطبه با ایشان، از تندوی و اشتلم بیجا پرهیز گردد. به عقیده نگارنده رویکردهای قضایی در این پروژه، صرفاً باید متوجه نیروهای با یایی و واسطه‌گروهکی و یا شبه‌گروهکی باشد و درباره بقیه، صرفاً تذکار و تنبیه مؤثر مورد توجه قرار گیرد.

۳. از آغاز اعلام نیروی انتظامی مبنی بر تصمیم خویش در مواجهه با بی‌حجابی و برهنگی، دهها نیشته اعم از اندرنامه، تهدیدنامه و حتی فحش نامه خطاب به این نیروی نشر یافته است، که روند برهنگی در جامعه تعطیل نگردد، گرچه در ماه‌های اخیر آشکار شده که بخش زیادی از چالش‌ها و حتی جنگ‌های ادعایی، عمدتاً در فضای مجازی اتفاق افتاده و نه در عالم واقع، اما در نهایت نباید از نظر دور داشت که در طول اجرای این طرح، دهها مورد از تولیدات مسموم و محرک، حتی در قالب خیرخواهی از سوی برخی خودی‌های ساده‌اندیش در این زمینه تهیه و عرضه خواهد شد، با این هدف که نیروی انتظامی را از وظیفه ذاتی خویش بازدارد. بی‌تردید در این موارد، نیرو باید سعی کند که سریعاً به اطلاع رسانی پرداخته، نقاط ابهام را شفاف و آنچه را که از اساس دروغ است، برملا سازد.

۴. در پروژه‌های اینچنین حساس و سرنوشت‌ساز، همگان باید نیروی انتظامی را مدد رسان باشند. از خانواده‌هایی که نگران اخلاق و تربیت نوباوگان خویشند، تا دستگاه‌های فرهنگی و قضایی‌ای که در باب مقوله حجاب وظایف روشنی بر عهده دارند و اگر به درستی به انجام آنها مبادرت می‌کردند، ماجرا شکلی اینچنین نمی‌یافت. این اخلاقی نیست که بارها صرفاً نیروی انتظامی به میدان مبارزه با منکرات قطعی دلال‌ت شود و سپس در عرصه‌های پرچالش و به شکلی سؤال‌برانگیز، تنها گذاشته شده و تمامی بار وقایع به آن نیرو حواله گردد!

۵. نهایتاً نگارنده امید می‌برد که این واپسین مرحله از جنگ ترکیبی دشمنان اسلام و نظام اسلامی، که از نیمه سال گذشته کلید زده شد، نهایتاً با توفیق نظام جمهوری اسلامی پایان یابد و باعث یأس نابینا و متولیان آن گردد. هم آنان که با کشته گرفتن از ایرانیان، مواج‌خود را افزون می‌ساختند و حساب‌های بانکی خویش را فربه می‌کردند!

بنابر اعلام فرماندهی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی، هفته‌ای را که آغاز کرده ایم، آغاز مواجهه این نیرو با پدیده بی‌حجابی (به مفهوم جامع این کلمه) و ایضا برهنگی است. در این باره، نکاتی مهم در خور تذکار می‌نماید، که لازم است بدان توجهی ویژه مبذول شود.

۱. حجاب در اسلام، فلسفه‌های روشن دارد. جعل این حکم از آن روی بوده است که فضای حاکم بر روابط اجتماعی را، کاملاً انسانی قرار دهد و از تباطات عاطفی و جنسی افراد را، به حیطة زندگی شخصی و منازل ایشان سوق دهد، فعالیت اجتماعی سالم و منم‌ر را توسعه و تثبیت بخشد و از همه مهم‌تر، مانع از آسیب به قشر ارجمند و فعال زن گردد و از ابزار انگاری آن جلوگیری کند. مثال نقض این قاعده، جامعه غرب است. خوشبختانه حیلت و اینفونگری آن بخش از عالم، هنوز نتوانسته بر این حقیقت آشکار سرپوش بگذارد که در آن خراب‌آباد آمار تجسوز تانیهای وجود دارد، بخش زیادی از انرژی مردان در جامعه صرف‌اراضی غریزه اصلی و نیرومند جنسی می‌شود و زنان را به لطماتی دچار می‌سازد که عمری از سوی آنها واگویی نمی‌شود، چه اینکه رسیدگی محتوم و قطعی‌ای در پس آن وجود ندارد! آری غرب در پی این ظاهر فریبنده و بی‌تفاوت در روابط اجتماعی، چهره‌ای زشت را پنهان داشته است! از این گذشته حجاب حکمی اجتماعی است و مقابله با آن در واپسین مرحله از فریضه امر به معروف و نهی از منکر - که مستلزم اقدام عملی است - به اذعان کثیری از فقهای شیعه، در شأن حکومت اسلامی است.

۲. بی‌نیاز از تذکار است که بخش مهمی از مرتکبان به کشف حجاب در مقطع کنونی را، نوجوانانی کم‌مطالعه، تحت تأثیر رسانه‌های بیگانه یا فضای مجازی و البته پاک طینت و حق‌پذیر تشکیل می‌دهند، که نوع مواجهه با ایشان باید بس دقیق و حساس شده باشد، که البته امید می‌بریم که دستگاه‌های مسئول از جمله نیروی انتظامی، حساب آن را کرده باشند. نگارنده خود در بسیاری از محافل دانشگاهی، پژوهشی و حتی شبکه‌های اجتماعی، به کرات شاهد بوده است که این قشر



محمدرضا کالبینی
دبیر تاریخ

www.mci.ir

یک ماه و دو نشان
دریافت عیدی بی‌سابقه در همراه من